





سحاب رحمت

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: فاطمه شیردل

ویراستار: انسیه غلامرضایپور

طراح جلد: اشکان پردل

گرافیک و صفحه آرایی: امین کوثری

چاپ: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰۰

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی

ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

سندوق بستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱

حق چاپ محفوظ است.



معجزه رسالت ۷

سیمای رفتاری پیامبر اکرم ﷺ ۹

بعثت رسول اکرم ﷺ ۱۲

آغاز رسالت خاتم پیامبران ﷺ ۱۸

عظمت و بزرگی رسول اکرم ﷺ ۱۸

۲۳ سال دعوت به توحید ۲۰

هدف از بعثت پیامبر اکرم ﷺ ۲۱

سختی‌های پیامبر اکرم ﷺ در راه ۲۲

دعوت به اسلام

نگاهی گذرا به دوران جاهلیت ۲۷

تصویر اعراب پیش از اسلام، از زبان ۲۸

امام علی علیه السلام

مبارزه اسلام با خرافات و طاغوت ۳۲

دوران جاهلیت

شناخت ما از اسلام و وظیفه هر ۳۶

مسلمان در برابر آن

مسابقه فرهنگی ۴۳

چه شده است زمین و زمان را؟! ◀

گویی آسمان از همیشه به زمین نزدیک‌تر است. درخشش ستاره‌ها آسمان را چراغانی کرده است یا ماه، زمین را روشنایی بخشیده؟

شب بیست‌وهفتم رجب است. امشب که ماه بدر مهمان آسمان نیست؛ پس این نور، این روشنایی، از کجاست؟! شب است؛ اما روشنایی روز، اطراف غار را شکافته است. وسعت آسمان، عظیم‌تر به نظر می‌رسد. زمین به دامن روشن آسمان چسبیده است و انگار دارد بالا می‌رود و کوه‌ها و دشت‌ها و دریاها، با تمام وسعتشان انتظار می‌کشند!

اینجا در سرزمین حجاز، در اطراف مکه، شهر امن الهی و در تاریکی غار حرا، محمد ﷺ در حال عبادت است. او بعضی از روزهای سال را برای خلوت کردن با خدای خویش به اینجا می‌آید و اوقاتی را به تفکر و عبادت می‌پردازد. محمد ﷺ در بلندای این کوه، بارها و بارها عظمت خدا را به‌نظاره نشسته است. آرامشی را که در این نقطه دارد، انگار در هیچ جای دیگری نمی‌یابد.

اما امروز، غار حرا حال و هوای دیگری دارد: صدای دلنشین محمد در حال نیایش، با نورانیت حضور جبرئیل در هم آمیخته است. صدایی لطیف و گوش نواز در فضا می پیچد: «بخوان: بخوان به نام پروردگارت!»

این همان رویدادی است که جهان در انتظارش بود. معجزه واقع می شود! ول‌وله‌ای به‌پا شده و امانت الهی بر دوش برگزیده خدا، محمد ﷺ نهاده می شود؛ همان امانتی که کوه‌ها با همه عظمتشان، تاب‌وتوان حمل آن را ندارند. اینجاست که بزرگی و عظمت روح محمد ﷺ بیشتر نمایان می شود. محمد ﷺ به رسالت مبعوث می شود تا دین خدا، این نعمت عظیم، بر همگان عرضه شود. محمد ﷺ آمده است تا انسانیت در کمال خود ظاهر شود.

محمد! تو را خدا برگزیده است، قبل از آنکه آدم را خلق کند. خدا تو را برای خود پرورید و برای چنین روزی تربیت کرد. موعدهش فرا رسیده است؛ پس اکنون برو و پیام پروردگار عالمیان را به همه برسان. راه سخت است، سخت: رنج‌های فراوانی در انتظار تو و یارانت است. بت‌ها دست‌بسته و بی‌جان ایستاده‌اند و مردمان به گردشان می‌گردند. شاید بتوانی بت‌ها را سرنگون کنی؛ اما آنچه سخت‌تر ریشه‌کن می‌شود، جهل این مردم است. مبارزه با جهل جاهلان، سخت‌تر از هر کاری است. جنگ با جهل، تمام توان انسان را می‌گیرد.



عزیزترین، محمدم، ای دُرْدانۀ هستی، ای که ملکوت و ملکوتیان جمال بندگی تو را نظاره‌گردند! ای که همهٔ هستی، تشنهٔ شنیدن زمزمۀ «یا رب یا رب» توست! هنوز نرسیده آن زمانی که چهرهٔ مبارکت، خاکستر به خود ببیند! هنوز نرسیده آن روزی که سنگ جفا، سرت را و تیر جهالت این مردمان، قلب مهربانت را نشانه می‌رود!

پس آرام باش که خدای مهربانت، همیشه و همه‌جا با توست. هیچ‌گاه ترس به خود راه نده؛ چرا که او تو را در مقابل قدرت و ثروت و هرگونه خطر و ظلم کفار کفایت می‌کند. آیا خداوند برای [نجات و دفاع از] بنده‌اش کافی نیست؟! ﴿الَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ﴾^۱

صدای نالهٔ شیطان بلند می‌شود. علی آنجاست و می‌شنود آنچه را که محمد رسول الله ﷺ می‌شنود: «هنگامی که وحی نازل شد، شیطان ناامید از اینکه روی زمین اطاعت شود، ناله سر داد.»^۲

۱. زمر، ۳۶.

۲. نهج البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، ص ۹۹۳.

معجزه رسالت

قرآن، این معجزه بزرگ الهی، در برهه‌ای از زمان بر محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد که تنها امتیاز عرب آن دوره، مهارت در شعر و شاعری بود. از دوران قبل از بعثت، به دوران جاهلیت یاد می‌کنیم. مردم عرب آن زمان، صفات و روحیاتی داشتند که باید آوری گذرای آن‌ها متوجه می‌شویم کار تبلیغی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چقدر طاقت فرسا بوده است!

خدای متعال، معجزه ختم رسالت، قرآن کریم را در زمانی نازل فرمود که شعر عرب به نهایت کمال و زیبایی رسیده بود؛ البته این اشعار که از هرگونه محتوای فکری درست و کارآمد خالی بود، فقط و فقط بر محور عشق و زن و شراب سروده می‌شد. همانانی که ادعا می‌کردند شاعرانی بس چیره‌دست و بی‌همتا هستند، پس از شنیدن آیات الهی که از زبان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جاری می‌شد، چون اعجازش را دیدند، انکارش کردند. قرآن، این معجزه بزرگ، تحدی می‌کند و آنان و تمام آدمیان در همه اعصار را به مبارزه می‌طلبد:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا
بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ
كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

و اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم، تردید دارید، یک سوره همانند آن بیاورید و غیر از خدا گواهان خود را برای این کار فراخوانید، اگر راست می‌گویید.

کار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن نظر بی نظیر است که اعراب جاهل و متعصبی را بیدار کرد که افکار و خرافات همچون پيله به دور زندگی شان تنیده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله عرب بادیه نشین و بی تمدن آن روزگار را به حیرت انداخت و توانست طاغوت زمانه را به زانو درآورد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام را در عرصه گیتی، فراگیر کرد. آن بزرگوار صلی الله علیه و آله اسلام را به تمدن های آن روزگار، یعنی ایران و روم بُرد و در عالم گسترش داد، تا آنجا که شعاع نورانی اسلام ناب محمدی در عصر ما نیز چنین پرفروغ می نماید و کمتر کسی است که این نورانیت را درک نکرده باشد.

در این نوشتار، با نگاهی به تاریخ، اشاره مختصری به وضعیت دوره جاهلیت کرده و به وضوح درمی یابیم که ابلاغ رسالت، در آن چنان دوره ای، چه کار شگرف و بزرگی بوده است. در ادامه، به صورت کوتاه، به بعثت خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و ابلاغ رسالت ایشان می پردازیم و دوره ده ساله حکومت اسلامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه و اوج عزت اسلام را یادآور می شویم، به آن امید که درک کنیم قرآن عظیم و اسلام عزیز، چه گران به دستمان رسیده اند.



سیمای رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

با مراجعه به قرآن و روایاتی که به دست ما رسیده، درمی یابیم که خداوند متعال، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را از میان همه انسان‌ها برگزیده و در قرآن نیز با اخلاق عظیم و برجسته توصیف کرده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱ حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اشرف پیامبران و رسولان و کامل‌ترین انسان روی زمین هستند. مقام والای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم باعث شد که دشمنان اسلام،

۱. قلم، ۴.

بعدها با طرحی از پیش تعیین شده، برخی از روایات کتاب‌های روایی مسلمانان را تحریف کنند. این کار به منظور نابودی شخصیت رسول خدا ﷺ و ویژگی‌های والای رسالتی که این عزیز برعهده داشتند، صورت گرفت تا مقدمه‌ای باشد برای نابودی اساس اسلام.

بی‌شک، هر پیامبری باید نمونه‌ای کامل و بی‌همتا باشد از آنچه خداوند متعال اراده فرموده است که در روی زمین قرار گیرد. پیامبر خاتم النبیین ﷺ انسان است، اما انسانی به تمام معنا. ایشان مرد فضیلت، عقل، کمال، حکمت، وقار و جلال اند و عالمی حکیم، پرهیزکار، شجاع، بردبار و صاحب دیگر صفات پسندیده انسانی و کمالات متعالی. در کارهایشان هیچ‌گونه خلل و ضعف و در رفتار و کردارشان هیچ‌گونه پراکندگی و تناقضی دیده نمی‌شود. در یک کلمه، پیامبر اکرم ﷺ معصوم از خطا و مبرا از لغزش اند و کامل‌ترین و برترین خلایق. از این روست که خداوند، پیامبر ما، حضرت محمد ﷺ را برای همیشه نمونه و اسوه انسان‌ها قرار داده و بر آن‌ها واجب کرده است که در همه شئون، حتی کارهای جزئی خود به ایشان اقتدا کنند:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱

قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا ﷺ سرمشقی نیکوست؛ برای آن‌کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

شهید مطهری رحمته الله در کتاب سیری در سیره نبوی، به این نکته اشاره کرده‌اند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب تا روز وفاتشان، از نظر روحیه فرقی نکردند. ایشان در نوشته خود روایتی را نقل کرده‌اند که شنیدنی است:

وقتی شهرت پیامبر صلی الله علیه و آله در همه جا پیچید، عربی خدمت ایشان رسید. او درباره پیامبر صلی الله علیه و آله چیزهایی شنیده بود که موجب ترسش شده بود؛ بنابراین هنگام سخن گفتن، زبانش به لکنت افتاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دیدن این صحنه، او را در آغوش کشیدند و فرمودند: «من مثل برادرت هستم. هرچه می‌خواهی، بگو.»

آن شهید بزرگوار می‌نویسد:

پیغمبر صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب، با یک جمع قلیل از اصحاب در دره‌ای محبوس‌اند و آب و غذا و احتیاجات دیگر به آن‌ها نمی‌رسد. آنچنان بر آنان سخت است تا آنجایی که بعضی از مسلمانان داخل مکه که اسلامشان را مخفی کرده بودند، با بعضی از مسلمانانی که در شعب بودند و بالخصوص علی علیه السلام رابطه برقرار کرده بودند و در آن تاریکی‌های شب، از گوشه‌ها می‌رفتند و

انبان غذایی می آوردند و مسلمین هر کدام اندکی می خوردند، همین قدر که سدّ جوعشان بشود. این پیغمبر، بعد می رسد به سال دهم هجری. در سال دهم هجری حکومت های جهان، رویش حساب می کنند و در مقابل او، احساس خطر می کنند: نه تنها تمام جزیره العرب تحت نفوذش هست و به صورت یک قدرت تمام در آمده است، بلکه سیاسیین جهان پیش بینی می کنند که این قدرت، عن قریب از جزیره العرب سرریز می کند و متوجه آن ها خواهد شد. در همان حال، پیغمبر ﷺ سال دهم هجرت، با پیغمبر ﷺ سال دهم بعثت که دارد از شعب ابی طالب می آید بیرون، یک ذره از نظر روحیه فرق نکرده است. آری، این همه قدرت و توسعه و امکانات و شهرت نتوانسته است روح پیغمبر را تغییر بدهد.^۱

شهید مطهری رحمته الله در قسمتی دیگر از کتاب خود این گونه فرموده اند:

یکی از اصول زندگی رسول اکرم ﷺ اصل سادگی بود که تا آخر عمر این اصل را رعایت

۱. نک: مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۷۲ و ۷۳.

کردند که: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ خَفِيفَ الْمُونَةِ»^۱. یکی از صحابه تعریف می‌کند که روزی خدمت رسول خدا ﷺ رسیدم.

حضرت کمی از جا حرکت کردند. روی بدن مبارکش اثر خشونت‌ی را دیدم که گویی پیامبر ﷺ در اتاقی که فقط فرشی از لیف خرما داشته [است]، استراحت کرده بودند [و این اثر همان فرش است]. خیلی ناراحت شدم. گفتم: «یا رسول الله، چرا باید این جور باشد؟ چرا کسری‌ها و قیصرها غرق در تنعم باشند و تو که پیامبر خدایی، چنین وضعی داشته باشی؟!» حضرت ناراحت شدند و فرمودند: «این‌ها در نظرت خیلی جلوه کرده [است] و گمان کرده‌ای من که این‌ها را ندارم، [نداشتن این‌ها] برایم محرومیت است؟! به خدا قسم که تمام آن‌ها نصیب مسلمین [هم] می‌شود؛ ولی این‌ها برای کسی افتخار نیست.»^۲

۱. یعنی ایشان کم خرج بودند. در ادامه آمده است: کثیر المئونه یعنی بسیار کار می‌کردند

۲. نک: مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۱۱۳.

بعثت رسول اکرم ﷺ

واقعه بعثت پیامبر خاتم ﷺ رویدادی است بس عظیم که جهان را تکان داد. بیدارکردن مردم از خواب جهالت کار کمی نیست. پرداختن به صفات شخصیتی حضرت محمد ﷺ ضروری است؛ چراکه ظرفی برای کلام خداوند متعال بوده است.

کلام الهی بر کسی نازل شد که خود از عظمت روحی بسیار زیادی برخوردار بود. حضرت محمد ﷺ درحالی به پیامبری مبعوث شدند که همه مردم عرب، ایشان را به امانت‌داری می‌شناختند و هرگز دروغی از زبان آن حضرت ﷺ نشنیده بودند. آنان از سال‌های خیلی دور به رسول خدا ﷺ لقب «امین» داده بودند.

امام صادق علیه السلام جد بزرگوار خویش را این‌گونه معرفی فرموده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَبَ نَبِيِّهِ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ
فَقَالَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ قَالَ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ
الْأَمْرَ... ٣



خداوند متعال پیامبرش را با محبت خود تربیت کرد و فرمود: «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری»؛ آنگاه دین را در اختیار او گذاشت...

محبت و مهربانی از اصول اخلاقی رسول خدا ﷺ بوده که همواره در برخوردهای اجتماعی آن حضرت ﷺ نمودار شده است. با مرور اجمالی تاریخ زندگی رسول اکرم ﷺ آشکارا درمی‌یابیم که دایرهٔ رحم و عطوفت آن بزرگوار ﷺ به قدری گسترده بوده که همگان را در بر می‌گرفته است: از نزدیک‌ترین فردِ خانه و خانواده‌شان گرفته تا اصحاب و یارانِ باوفایشان و نیز کودکان و یتیمان و حتی گناهکاران و گمراهان و اسیرانِ دشمن، پرتو رحمت الهی در وجود رسول خدا ﷺ تجلی یافته است و مصداق کامل آیهٔ ۱۵۹ سورهٔ مبارکهٔ آل عمران هستند:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ﴾^۱

به [برکت] رحمت الهی، در برابر مردم نرم شدی. در حقیقت آداب و شیوه‌های که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اعمال روزمره زندگی خودشان به کار می‌بستند، آن‌ها را زیبا و خوشایند ساخته بود و به آن اعمال، ارزش اخلاقی بخشیده بود. این زیبایی، ناشی از طبع ظریف و روح لطیف ایشان بود. زیبایی، نرمی و لطافت و نیز وقار و متانت، سه صفتی است که در رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله دیده می‌شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۲۱۳ نهج البلاغه، بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را با این ویژگی‌ها معرفی فرموده‌اند:

خدا پیامبر صلی الله علیه و آله را با روشنایی اسلام فرستاد و در گزینش، او را بر همه مقدم داشت. با بعثت او، شکاف‌ها را پُر کرد و سلطه‌گرانِ پیروز را درهم شکست و سختی‌ها را آسان و ناهمواری‌ها را هموار فرمود تا آنکه گمراهی را از چپ و راست تارومار کرد.^۲

توصیف رفتار پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در بیان معلم شهید، استاد مطهری رحمته الله علیه نیز شنیدنی است:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مقام رهبری امت اسلامی

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۴۳۷.

و انجام رسالت الهی خود، با افراد و اقوامی از طبقات مختلف برخورد داشتند. آنچه بیشتر عامل جلب و جذب آنها به سوی توحید می‌شد، برخوردهای سازنده آن حضرت صلی الله علیه و آله با آنان بود. ایشان با صاحبان فضیلت و کرامت، هرچند مسلمان هم نبودند، با خلق نیکو و تکریم و احترام برخورد می‌کردند. حضرت صلی الله علیه و آله کسانی را که در اسلام سابقه‌ای داشتند و در راه نشر و گسترش آن تلاش و فداکاری کرده بودند، تکریم می‌فرمودند و آنان را به خود نزدیک‌تر می‌دانستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منظور احیای ارزش‌های والای معنوی در جامعه اسلامی، مقام پیشتازان جهاد در راه خدا را گرمی می‌داشتند و برای آنان احترام و امتیازی ویژه قائل می‌شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مؤمنان فقیر بیش از ثروتمندان لطف می‌کردند؛ چراکه اینان ایمان خالصی داشتند و در راه اسلام فداکارتر بودند.^۱

۱. نک: مرتضی مطهری، اخلاق نبوی، ص ۵۴.

آغاز رسالت خاتم پیامبران ﷺ

جامعهٔ عرب قبل از اسلام دچار تعصب‌های قومی و افکار جاهلی بود. در آن فضا ارزش‌های مادی همانند ثروت، نژاد، زبان، رنگ پوست و قومیت، معیارهای برتری به‌شمار می‌رفتند. با بعثت رسول اکرم ﷺ ارزش‌ها دگرگون شد و زمان زنده‌شدن فضایل معنوی فرارسید.^۱

عظمت و بزرگی رسول اکرم ﷺ

گوستاولوبون، فیلسوف و اسلام‌شناس فرانسوی می‌گوید:
 معجزهٔ بزرگ پیامبر اسلام ﷺ این بود که توانست پیش از مرگ خود، قافلهٔ پراکندهٔ عرب را گرد هم آورد و از این کاروان سرگردان و پریشان، ملت واحدی تشکیل دهد، پدانشان که همه را در برابر یک دین خاضع کرد و فرمان‌بر [و] مطیع یک پیشوا گرداند....

۱. نک: مرتضی مطهری، اخلاق نبوی، ص ۴۶.



شکی نیست که حضرت محمد ﷺ از زحمات خود نتایج و بهره‌هایی گرفت که نصیب هیچ‌یک از ادیان قبل از اسلام، از جمله یهود و نصاری نگشت؛ از این رو آن حضرت ﷺ حق بسیار بزرگی به‌گردن اعراب دارد... ما اگر بخواهیم ارزش اشخاص را با کردار و آثار نیکشان بسنجیم، به‌طور مسلم حضرت محمد ﷺ بزرگ‌ترین مرد تاریخ است... ما این دین بزرگی را که او آورد و مردم را بدان دعوت کرد، برای پیروانش یکی از نعمت‌های بزرگ خداوندی می‌شماریم.^۱

۱. نک: گوستا لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم رسولی، ص ۱۲۸ تا ۱۳۰.

۲۳ سال دعوت به توحید

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در ابتدای امر، دنیا را متوجه پیام الهی کردند. دعوت به توحید، آغاز و پس از مدتی علنی شد. ایشان به وسیله آیات الهی به تزکیه جان‌ها پرداختند؛ سپس به علم‌آموزی فراخواندند و در آخر نیز درهای حکمت را به روی انسان‌ها گشودند. رسول خدا ﷺ دل‌ها را با معارف الهی آشنا کردند و برای اینکه دامنه اسلام گسترش یابد و جهان‌گیر شود، حکومت اسلامی را تشکیل دادند که صدا البته برای دفاع از کیان و اساس اسلام ضروری بود. نظامی که پیامبر اعظم ﷺ در مدینه تشکیل دادند، نمونه‌ای است از حاکمیت اسلام برای همهٔ زمان‌ها و همهٔ مکان‌ها: ارزش‌های اسلام، باید جایگزین همهٔ ارزش‌های گذشته می‌شد؛ یعنی ارزش‌های جاهلی و تعصبات قبیله‌ای باید محو می‌شد. با بعثت رسول خدا ﷺ انقلابی رخ داد. ابتدا دل‌ها به لرزه افتاد و با هر آیهٔ قرآن زنده‌تر شد. مردم بیدار شده بودند. سیزده سال بعد، جامعهٔ اسلامی مدنی بر پایه‌های استواری بنا شد که نتیجهٔ همان جهاد مسلمین با کفر و شرک بود. نفر به نفر آن‌ها در شرایط سخت و محاصرهٔ اقتصادی آن روزها مجاهدت کردند و زخم برداشتند؛ اما نیفتادند و بعد از تحمل رنج‌ها و مشقت‌های فراوان، با

قلبی که نورانیت یافته بود، سربلند ایستادند تا یک‌یکشان ستون‌های حکومتی باشند که پیامبر عزیز پی‌ریزی کرده بودند. این‌گونه بود که جهان طاغوت، حیرت‌زده از این همه مجاهدت در مقابل ارزش‌های جاهلی، نابودی خود را به‌نظاره نشست.

هدف از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

هدف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از هجرت به مدینه، فقط رهایی از شر کفار مکه و ادامه مبارزه با آن‌ها نبود. باید پیام الهی به همه می‌رسید و طاغوت در همه‌جا سرنگون می‌شد که این هم مستلزم برپایی حکومت و نظامی اسلامی بود. حاکمیت اسلام بر پا شد تا معارف اسلام، نشر یابد و هرجا ظلمی بود و ظالمی و هرجا طاغوتی بود و فاسدی، سرنگون شود.

مردان و زنان مؤمنی که قلبشان سرشار از نورانیت اسلام بود، با اعتقادات توحیدی و عزت انسانی خود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را یاری کردند تا همگان مانند آن‌ها شنونده آیات الهی باشند. همه آنان با برادری و مهربانی، به‌کمک هم توانستند در مدینه در کنار پیامبر خوبی‌ها جامعه‌ای خداجو تشکیل دهند که خواهان پرورش انسان‌هایی آگاه و شجاع و به‌تمام‌معنا باایمان باشد.

سختی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه دعوت به اسلام

کفار و مشرکان علاوه بر زخم‌زبان‌هایی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌زدند، با شکنجه‌های جسمانی فراوان، قصد داشتند آن حضرت صلی الله علیه و آله و یارانشان را از پا درآورند؛ ولی ایشان در برابر تمام این آزارها صبر کردند. وقتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواستند از طائف خارج شوند، عده‌ای که مشرکان آن‌ها را اجیر کرده بودند، بر سر راه رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و ایشان را سنگ‌باران کردند؛ به طوری که پاهای مبارکشان مجروح و خون‌آلود شد.^۱

منیب ابن مدرک از جدش این‌گونه نقل کرده است:

در دوران جاهلیت، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم؛ درحالی که می‌فرمودند: «یا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا.» در این حال، یکی از کفار به صورت حضرت سیلی زد. دیگری بر سر و روی ایشان خاک می‌ریخت و آن یکی دشنام می‌داد. دخترکی با ظرفی آب

۱. نک: سیدهاشم بحرانی، حلیة الأبرار فی احوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۷۷.

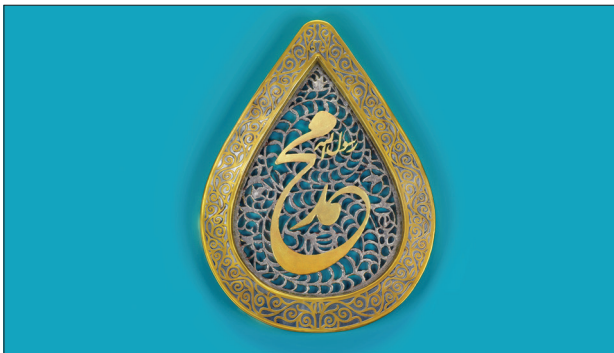
به سوی حضرت ﷺ آمد و ایشان صورت و دست‌هایش را شست؛ آنگاه به او فرمود: «صبر کن و برای پدرت از اینکه کسی بر او غلبه کند یا ذلیلش کند، اندوهگین نباش.»^۱

میدان نبرد و کارزار، از جاهایی است که صبر در آن نقشی تعیین کننده دارد. در بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام، تعداد افراد و تجهیزات لشکریان اسلام کمتر از کفار بود. در عین حال، با تأییدات خداوند و اندیشه کارآمد رسول خدا ﷺ در سایه شکیبایی ایشان و یارانشان، اکثر جنگ‌ها با پیروزی مسلمانان پایان می‌یافت. رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و اثری از سستی و بی‌تابی در روحیه آن حضرت ﷺ مشاهده نمی‌شد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام شجاعت و صبر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم را این گونه توصیف فرموده‌اند: «وقتی جنگ شدید می‌شد و دو طرف به شدت درگیر می‌شدند، ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پناه می‌بردیم و هیچ کس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دشمن نزدیک‌تر نبود.»^۲

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در برابر تلاش‌های فراوانی که کفار و مشرکان برای به‌سازش کشاندن ایشان به عمل می‌آوردند، استقامت می‌کردند و بدون نشان دادن هیچ‌گونه نرمش و سازش از خود، به مبارزه علیه بت‌ها و بت‌پرست‌ها می‌پرداختند.

۱. نک: محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۶۷۱؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ص ۳۸۸.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۶۶۲.



تطمیع و تهدید، دو نقشهٔ هوس انگیز و هراس انگیز بود که کفار برای از سر راه برداشتن پیامبر ﷺ به کار بردند؛ ولی آن بزرگوار ﷺ در سایهٔ لطف الهی، استقامت ورزیدند و رسالت بزرگ خویش را آن گونه که خدا می خواست، به پایان بردند و در این راه سخت و پر از مشقت، تسلیم هیچ زورمند و ظالمی نشدند. این مهم، امر الهی بود که در آیات ۹ و ۸ سورهٔ مبارکهٔ قلم به آن تصریح شده است:

﴿فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ * وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيْدْهُنُونَ﴾
 حال که چنین است، از تکذیب کنندگان اطاعت نکن! * آن‌ها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن‌ها [هم] نرمش نشان دهند.

قرآن بر قلب نازنین محمد مصطفی ﷺ نازل شد و آن عزیز با تکیه به تعالیم الهی، در صدد برآمدند که بشر را به هرآنچه خیر و خوبی است، راهنمایی کنند. اسلام، دینِ خاتم پیامبران ﷺ، عالم‌گیر شده و نسل‌به‌نسل، با رهبری امامان معصوم ﷺ به عصر ما رسیده است. سؤالی که ذهن را درگیر می‌کند، این است: «وظیفه ما در مقابل پیام الهی، یعنی قرآن و دین اسلام چیست؟»

باوجود این سؤال، واقعیت‌هایی هم هست که با آن درگیریم؛ مثلاً بعضی از ما ادعای مسلمانی داریم، درحالی‌که به‌دنبال اسلام حقیقی نیستیم یا اگر جایی حقیقت را ببینیم، آن را با خیر و منفعت خودمان می‌سنجیم! این‌گونه است که اسلام و قرآن مهجور مانده‌اند. جالب‌تر اینکه تاریخ را که می‌خوانیم، از اینکه در آن زمان زندگی نکرده‌ایم و جزو جاهلانِ دوران جاهلیت نیستیم، به خود می‌بالیم! خودمان را متممّن می‌دانیم و می‌گوییم: «با این همه پیشرفت علم و دانش، با این همه ترقی و این دنیای مدرن، ما را چه به جاهلیت!»

درست اینجاست که باید گره فکری‌مان باز شود: باید بدانیم درست است در عصری زندگی می‌کنیم که لحظه‌به‌لحظه رویداد علمی جدیدی رخ می‌دهد؛ اما گاه غافل ایم که ما نیز گرفتار عادات و خرافاتی بدتر از کج‌فهمی‌های دوران جاهلیت هستیم.

این جاهلیت بنا به بعضی از روایات و با استفاده از آیه ۳۳ سوره مبارکه

احزاب، همان جاهلیت ثانی است^۱ که پیامبر اکرم ﷺ آن را بدتر از جاهلیت اولی دانسته‌اند. آنان که در دوران جاهلیت زندگی می‌کردند، در یک محدودهٔ جغرافیایی و با ارتباطات کمی که از طریق تجارت داشتند، به دانسته‌هایی دست پیدا می‌کردند؛ با این حال، خیلی از همان عرب‌های دوران جاهلیت به اسلام گرویدند و در راه حق جهاد کردند و به فیض شهادت هم رسیدند. حال در عصر حاضر، با وجود این همه فناوری و اطلاعات، آنقدرها که باید، به دین پرداخته نمی‌شود. متأسفانه در دنیای ارتباطات و اطلاعات کنونی، عده‌ای از ما بر روی بعضی از علوم، مخصوصاً علوم دینی، مُهر بایگانی زده‌ایم و در بهترین و خوش‌بینانه‌ترین حالت، این طور وانمود می‌کنیم که فهمیدن این علوم در حدّ ما نیست و به این ترتیب، روز به روز از آن‌ها فاصله می‌گیریم. درست است که جاهلیت مدّ نظر ما از جهل مشتق شده است؛ اما این جاهلیت در مقابل عقل و منطق است، نه علم و دانش. تصور ما از دوران جاهلیت، درس‌نخوانده‌بودن و نداشتن دانش نیست؛ بلکه ما مردم آن زمان را به این علت جاهل می‌دانیم که صفات و آداب و رسومی غلط و به‌دور از منطق و عقل داشتند و با تعصب زیاد، کورکورانه از آن‌ها پیروی می‌کردند.

۱. در این آیه شریفه به جاهلیت اولی اشاره شده است و این نکته را می‌رساند که با این حال، جاهلیت دیگری هم مدّ نظر بوده است.

نگاهی گذرا به دوران جاهلیت

صفات اعراب

اعراب متعصب عصر جاهلیت جنگجو بودند و به علت‌های مختلف، جنگ‌افروزی می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند خون، خون را می‌شوید و خون‌ریزی و غارتگری و چپاول و ظلم به زیردستان، از عاداتی بود که با آن خو گرفته بودند.

رواج این عادات زشت در زندگی روزمرهٔ اعراب، به‌حدی بود که از این قوم، قومی جاهل و وحشی‌صفت و درنده‌خو ساخته بود. قمار و ربا و شراب‌خواری جزء جدایی‌ناپذیر زندگی‌شان بود؛ به‌طوری‌که در حیات تاریکشان جز به زن و شراب و جنگ فکر نمی‌کردند: اگر دم از غیرت می‌زدند، به‌خیال باطلشان، نمودش در زنده‌به‌گورکردن دختران معصومشان بود. به‌گمانشان شجاعت در جنگ این بود که تا می‌توانند، از جبهه مخالفان بکشند و به تعداد افرادی که از دشمن می‌کشند، به دیگر قبایل فخرفروشی کنند. درواقع هیچ‌چیزی نداشتند که از آن ارزش اخلاقی بسازند تا جایی که حتی مهمان‌دوستی‌شان نیز جزئی از فخرفروشی آن‌ها محسوب می‌شد!

تصویر اعراب پیش از اسلام، از زبان امام علی علیه السلام

دربارهٔ مذهب اعراب دوران جاهلیت، به سخنان امام علی علیه السلام تکیه می‌کنیم که اوضاع مذهبی ملت‌های عرب را در خطبهٔ اول نهج البلاغه به خوبی توصیف کرده‌اند:

روزگاری [بود] که مردم زمین، مذهب‌های پراکنده و خواسته‌های گوناگون و روش‌های متفاوت داشتند: عده‌ای خدا را به پدیده‌ها تشبیه می‌کردند و گروهی نام‌های ارزشمند خدا را انکار و به بت‌ها نسبت می‌دادند... .
خدا را سبحان مردم را به وسیلهٔ محمد صلی الله علیه و آله از گمراهی نجات داد و هدایت کرد و از جهالت رهایی بخشید.^۱

در خطبهٔ ۲۶ نهج البلاغه نیز اعراب پیش از اسلام، این‌گونه تصویر شده است:

خدا [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله را به رسالت مبعوث کرد تا جهانیان را هشدار دهد و امین وحی الهی

۱. نک: نهج البلاغه، ترجمهٔ محمد دشتی، خطبهٔ ۱، ص ۳۹.

باشد [و فرمان خدا را چنان که باید، برساند].
 در آن هنگام، شما ای ملت عرب، بدترین
 دین را داشتید و در بدترین خانه‌ها، بین
 سنگ‌های خشن و مارهای گزنده به سر
 می‌بردید. از آب تیره می‌نوشیدید و غذای
 ناگوار می‌خوردید. خون یکدیگر را می‌ریختید
 و پیوندهای خویشاوندی را قطع می‌کردید.
 بت‌ها در میان شما برپا بود [و آن‌ها را
 می‌پرستیدید] و گناهان، سراسر وجودتان را
 فرا گرفته بود.^۱

از گفتار امام علی علیه السلام این طور برمی‌آید که اعراب پیش از اسلام، در وضعیت
 رقت‌انگیزی به سر می‌بردند. اگر به قرآن هم نگاهی بیندازیم، به خوبی درک
 می‌کنیم که این انحطاط عقلی و اخلاقی تا به کجا بوده است:

﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۲

۱. نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۷۳.

۲. آل عمران، ۱۰۳.

همگی به ریسمان خدا [یعنی قرآن و اسلام] چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت [بزرگ] خدا را بر خود به‌یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به‌برکت نعمت او برادر شدید! [ای جمعیت عرب، شما] قبل از گرویدن به آیین اسلام، [بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌کند، شاید پذیرای هدایت شوید.

زندگی اعراب جاهلیت، با رفتارهای خلاف عقل و علم گره خورده بود. این اعمال و اعتقادات، مخالف احکام و دستورات الهی بود. کلام گهربار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۹۵ نهج البلاغه نیز به ویژگی‌های دوران جاهلیت قبل از اسلام اشاره دارد:

خداوند، او صلی الله علیه و آله را هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه‌ها به‌سر می‌بردند، هواوهوس بر آنها چیره شده بود، خودبزرگ‌بینی و تکبر به لغزش‌های فراوانشان کشانده و نادانی‌های

جاهلیت [هم] پست و خوارشان کرده بود، در امور زندگی شان حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی، دامن گیرشان بود. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نصیحت و خیرخواهی، نهایت تلاش را کرد و آنان را به راه راست راهنمایی کرد و از راه حکمت و موعظه نیکو، مردم را به خدا دعوت فرمود.^۱

همچنین مولای متقیان امام علی علیه السلام در خطبه دوم نهج البلاغه اوضاع مردم هنگام بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را این چنین توصیف فرموده‌اند:

...مردم در فتنه‌ها گرفتار شده بودند؛ رشته‌های دین پاره شده بود و ستون‌های ایمان و یقین ناپایدار بود؛ در اصول دین اختلاف داشتند و امور مردم پراکنده بود؛ راه‌هایی دشوار بود و پناهگاهی وجود نداشت؛ چراغ هدایت بی‌نور و کوردلی همگان را فراگرفته بود؛ خدای رحمان معصیت شده و شیطان یاری می‌شد؛ ایمان بدون یاور مانده بود و پایه‌های آن ویران، نشانه‌های آن انکار، راه‌های آن ویران و جاده‌هایش کهنه و

۱. نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۱۷۹.

فراموش شده بود. [در آن زمان] مردم جاهلی شیطان را اطاعت می‌کردند و به راه‌های او می‌رفتند و در آب‌شخور او سیراب می‌شدند. با دست مردم جاهلیت نشانه‌های شیطان، آشکار و پرچم او برافراشته شد. فتنه‌ها مردم را لگدمال و با سُم‌های محکم خود نابودشان کرده و خود، پابرجا ایستاده بود؛ اما مردم حیران و سرگردان، بی‌خبر و فریب‌خورده، در کنار بهترین خانه [یعنی کعبه] و بدترین همسایگان [یعنی بت‌پرستان] زندگی می‌کردند. خواب آن‌ها بیداری و سرمه چشمشان اشک بود و در سرزمینی [زندگی می‌کردند] که دانشمند آن لب فرو بسته بود و جاهل، گرامی بود و بر صدر نشسته بود.^۱

امام علی علیه السلام در حکمت ۳۶۹ نهج البلاغه، وضعیت مردم عصر جاهلیت دوم را به تصویر کشیده‌اند. این فراز برای ما که سال‌ها پس از عصر جاهلیت اول متولد شده‌ایم و ادعای تمدن داریم، بسیار درخور تأمل است:

روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند.

۱. نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۴۳.

مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما پایه‌های هدایتشان ویران است. مسجذنشینان و سازندگان آن مسجدها، بدترین مردم زمین هستند که کانون هر فتنه و جایگاه هرگونه خطاکاری‌اند. هرکه از فتنه برکنار است، او را به فتنه بازگردانند و هرکه از فتنه عقب‌مانده است، او را به فتنه‌ها کشانند. خداوند سبحان می‌فرماید: «به خودم سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که انسان شکیبیا در آن سرگردان بماند» و چنین کرده است! ما از خدا می‌خواهیم که از لغزش غفلت‌ها درگذرد.^۱

۱. نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۷۱۷.

مبارزهٔ اسلام با خرافات و طاغوتِ دوران جاهلیت

آیت‌الله جعفر سبحانی (حفظه‌الله‌تعالی) این حقیقت را به شیوایی تبیین فرموده‌اند:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هرگونه خرافات قاطعانه برخورد می‌کردند. نمونهٔ بارزی از مبارزهٔ آن بزرگوار صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با خرافه‌پرستی اعراب عصر جاهلیت را می‌توان در ماجرای درگذشت فرزندشان ابراهیم مشاهده کرد. اعراب که با خرافه‌پرستی زندگی می‌کردند، نمی‌توانستند قبول کنند که گرفتگی خورشید اتفاقی طبیعی است و هم‌زمانی آن با درگذشت فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارتباطی ندارد؛ بنابراین به دنبال خرافات ذهنی خود، تفسیر می‌کردند که این خورشیدگرفتگی به دلیل ازدست‌دادن ابراهیم است. این مطلب که به گوش پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید، فرمودند:

«آفتاب و ماه دو نشانه بزرگ از قدرت
بی‌پایان خداوندند و سر به فرمان او دارند.
این دو، هرگز برای مرگ و زندگی کسی
نمی‌گیرند. هر موقع ماه و آفتاب گرفت، نماز
آیات بخوانید.» صحبت رسول خدا ﷺ که
تمام شد، از منبر پایین آمدند و با مردم نماز
آیات خواندند.^۱

سخن استاد مهدی پیشوایی نیز گویای همین واقعیت است: «درحقیقت،
زندگی اعراب جاهلیت چنان با خرافات و اوهام و افسانه‌ها گره خورده بود
که در ساده‌ترین کارهای زندگی‌شان به خرافه رو می‌آوردند و این اوهام
بود که بر سبک‌مغزان عرب حکومت می‌کرد.»^۲

۱. نک: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ص ۵۲.

۲. نک: مهدی پیشوایی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام ﷺ)، ص ۶۶.

شناخت ما از اسلام و وظیفه هر مسلمان در برابر آن

بیاید کمی تأمل کنیم و تلنگری به خود بزنیم. به راستی رابطه ما با اسلام در عصر کنونی چگونه است؟ آیا اسلامی که می‌شناسیم و در رفتار روزمره خودمان نشان می‌دهیم، همان اسلام ناب محمدی است؟ آیا خرافات و آداب و رسومی که در جامعه کنونی ما رواج دارد، در اسلام حقیقی پذیرفته است؟

بیندیشیم که تا چه اندازه گرفتار آداب و رسوم غلط هستیم؟ چگونه می‌توانیم خود را از این قیدوبندهای نادرست برهانیم؟ مبدا مصداق این حدیث پیامبر عزیزمان صلی الله علیه و آله باشیم که فرمودند:

بُعِثْتُ بَيْنَ جَاهِلِيَّتَيْنِ لِأُخْرَاهُمَا شَرٌّ مِنْ أُولَاهُمَا.^۱
 من میان دو جاهلیت مبعوث شدم. جاهلیت دوم از جاهلیت اول بدتر است.

باید مصداق‌های جهل را بشناسیم تا جزو جاهلان جاهلیت دوم به حساب نیاییم. نشانه‌های این جهل کدام‌اند؟ برای جست‌وجوی پاسخ چه راهی بهتر و مطمئن‌تر از تکیه بر قرآن کریم و تدبر در یکایک آیه‌های نورانی‌اش! این یگانه راهی است که ما را از هر انحرافی مصون می‌دارد.

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ص ۲۵۶.



مگر نه اینکه اگر در صراط مستقیم حرکت کنیم، از انحرافات در امان خواهیم ماند؟! صراط مستقیم همان قرآن و عترت رسول مهربانی‌ها، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است.

شیعه معتقد است اسلام واقعی، در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و آتیه اجرا می‌شود. پر واضح است که لازمه تشکیل هر حکومتی،

زمینه‌سازی مناسب برای آن است و در هرگونه زمینه‌سازی، انسان‌سازی از مقدمات به‌شمار می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای رسالت خود، در سایه دعوت به توحید، روح و جان مردم را با آیه‌های قرآن زنده کردند؛ سپس به تربیت الهی مردم پرداختند. تزکیه روح و جان اعراب جاهلیت از هواهای نفسانی، از آن‌ها مردمانی ساخت که با هر اشاره رسول خدا صلی الله علیه و آله آماده جان‌فشانی بودند و همینان بودند که حکومت نوپای اسلام بر شخصیت‌های استوارشان بنا شد.

در زمانه‌ای که فتنه آخرالزمان یا همان جاهلیت ثانی گریبان‌گیر انسان‌هاست، یگانه راه نجات، تمسک به اهل بیت پیامبر علیهم السلام و روی آوردن به امام‌زمان عجل الله فرجه است که حجت بر حق خدا در این دوره‌اند. در حال حاضر، انسان روز به‌روز گمراه‌تر می‌شود؛ به طوری که چشم بر واقعیت‌ها می‌بندد و ظواهر دنیوی او را به‌سمتی می‌کشاند که به آنچه می‌داند و علم دارد، عمل نمی‌کند؛ او حق و حقیقت را می‌بیند؛ اما نه راه رسیدن به آن را می‌پیماید و نه تلاشی برای دفاع از آن می‌کند! این‌گونه است که به هر سو می‌نگریم، ظلم و ستم بیداد می‌کند و انسان‌های بی‌گناه کشته می‌شوند و بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها سکوت کرده‌اند. سکوت در برابر این همه ستم چه معنایی دارد؟ جز این است که مردم دنیا به معنویت پشت کرده‌اند یا لا اقل از معرفتی سطحی برخوردارند، نه عمیق و کارساز؟!

در ظاهر امر، اطلاعاتی ناچیز درباره امام عصرمان داریم؛ اما حضور ایشان

را به درستی درک نمی‌کنیم که به اطاعت منجر شود. کمی که عمیق‌تر تأمل کنیم و در زندگی مان دقیق شویم، متوجه می‌شویم که بین این مهم، یعنی اطاعت از امام و پیش‌پا افتاده‌ترین کارهای روزمره زندگی مان، بیشتر اوقات این دومی را ترجیح می‌دهیم؟! این واقعیت تلخی است که به آن گرفتاریم. به‌طور مثال ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که بشر به تکنولوژی و پیشرفت‌های چشمگیر علمی دست یافته است. شاهد آن هستیم که تقریباً در بیشتر علوم، پرده از اسراری برداشته می‌شود که ما در دستورات دینی مان از آن‌ها با عنوان حلال و حرام الهی یاد می‌کنیم؛ ولی گاه دانستن این‌ها نیز از جهالت ما کم نمی‌کند: بعضی چنان در دنیای فناوری غرق شده‌ایم که تا علت و حکمت حکمی را ندانیم، به آن عمل نمی‌کنیم و اگر کسی چنین کند و درحالی که به دنبال کسب دانش است، تسلیم شده امر الهی نیز باشد، او را کوتاه‌فکر می‌خوانیم! غافل از اینکه در پس همه دستورات الهی حکمت‌هایی نهفته است که منفعت انسان در آن است؛ پس به نفع خودمان است که از آن‌ها پیروی کنیم.

گروهی دیگر نیز اصلاً به دنبال این مسائل نیستند. در نگاه این افراد، انگار علم و دانش محصور شده است در ریاضی و فیزیک و شیمی و امثال این‌ها! هرچند در تمام این علوم هم جلوه علم الهی به‌روشنی پیداست؛ اما اگر این معلومات را با معنویت پیوند نزنیم، نه تنها هیچ به‌دست نمی‌آوریم، بلکه خسرانی عظیم در انتظار ماست.



تنها گمشدهٔ انسان امروز، آرامشی است که در سایهٔ معنویت به دست می‌آید؛ اما انسان عصر کنونی، دین را کنار گذاشته است و در سراب مادیات به دنبال آن می‌گردد!

این‌ها همه، ریشه در جاهلیت ما دارد. ادعای تمدن و مدرنیته بودن داریم؛ ولی نمی‌توانیم به این باور برسیم که بدون شناخت و معرفت حجت خدا همهٔ راه‌ها به گمراهی ختم می‌شوند. همین معرفت‌نداشتن به امام، مهم‌ترین علت فرورفتن ما در جهالت است. تازمانی که با امام زمانمان پیوند و ارتباطی دائمی نداشته باشیم، زندگی جاهلانهای خواهیم داشت. تا وقتی که خودمان را اصلاح نکنیم و زندگی مان را بر اساس معنویت نسازیم، گمراهیم و نتیجه‌اش اینکه مرگمان نیز مرگ جاهلی خواهد بود.

تقریباً همه این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را شنیده‌ایم:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۱

۱. سید محمد حسینی همدانی، درخشان پرتویی از اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۹.

کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

نقطهٔ مقابل این زندگی، زندگی کسانی است که خدا و حجتش را بر اعمال و رفتار خود ناظر می‌بینند و سعی می‌کنند در همه حال، رضایت خدا و حجت او را که همان رضایت حق تعالی است، به دست آورند.

پس هر کس، در هر دوره‌ای که زندگی می‌کند، باید برای نجات از زندگی جاهلانه و مرگ جاهلیت، به دنبال برقراری پیوندی معنوی با اهل بیت پیامبر علیهم السلام باشد و اعتقاد راسخ داشته باشد که امام زمانش در همه حال بر اعمال و گفتارش احاطه دارد؛ همان طور که فاطمه زهرا علیها السلام فرموده‌اند:

فَلَا هِجْرَةَ إِلَّا إِلَيْنَا وَ لَا نَصْرَةَ إِلَّا لَنَا وَ لَا اتِّبَاعَ بِإِحْسَانٍ إِلَّا بِنَا وَ مَنْ ارْتَدَّ عَنَّا فِإِلَى الْجَاهِلِيَّةِ^۱
هجرت، جز به سوی ما نیست و نصرت و یاری،
جز برای ما نیست و احسان، جز در بارهٔ ما نیست.
هر کس از ما روی بگرداند، به جاهلیت بازگشته
است.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۹۷.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. علی ابن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۳. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم رسولی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی تا.
۴. مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، اخلاق نبوی، بی جا: واحد آموزش عقیدتی سیاسی ستاد مرکز، ۱۳۶۸.
۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۶. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، چ ۷، تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
۷. پیشواپی، مهدی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)، چ ۸، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.
۸. حسینی همدانی، سیدمحمد، درخشان پرتویی از اصول کافی، ج ۲، چ ۱، قم: چاپخانه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲ و ۲۹، چ ۲، بیروت: ۱۴۰۳.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۲۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۱۱. بحرزی، سید هاشم، حلیة الأبرار فی احوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، به تحقیق غلامرضا مولانا البروجردی، ج ۱، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۴ ق.

توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی «سحاب رحمت»

سؤال‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.
به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ : برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح سؤال‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست، نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: سحاب رحمت ۱۳۱۴۲ حسین عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir
۳. پاسخ به سؤال‌ها در پاسخنامه: پاسخنامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

هزینه ارسال پاسخنامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید. آخرین مهلت شرکت در مسابقه، دوشنبه ۱۰ خرداد ۹۵ است. قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

این متن حاوی آیات قرآن و اسماء متبرکه است. شایسته است در حفظ حرمت آن کوشا باشیم.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۰۰۲۵۶۹

سؤال‌ها

سؤال اول: پیام آیه ۲۳ سوره مبارکه بقره در چه زمینه‌ای است؟

۱. توصیف نعمت‌های بی‌شمار بهشتی
۲. اهمیت توبه و پشیمانی و ترک گناه
۳. مبارزه طلبی در برابر منکران اعجاز قرآن
۴. سفارش به انفاق در حال تنگدستی

سؤال دوم: استاد مطهری رحمته الله علیه در توصیف رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله خاتم صلی الله علیه و آله مهم‌ترین عامل جلب و جذب افراد طبقات مختلف به سوی توحید را چه دانسته‌اند؟

۱. برخوردهای سازنده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲. فعالیت‌های منسجم نظامی علیه دشمنان
۳. برقراری عقد اخوت بین برخی قبایل
۴. گزینه‌های ۳ و ۲

سؤال سوم: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۲۱۳ نهج البلاغه، بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را با چه ویژگی‌هایی معرفی فرموده‌اند؟

۱. خدا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با روشنائی اسلام فرستاد و در گزینش، او را بر همه مقدم داشت
۲. خداوند با بعثت او، شکاف‌ها را پُر کرد و سلطه‌گران پیروز را درهم شکست
۳. خداوند با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سختی‌ها را آسان و ناهمواری‌ها را هموار فرمود
۴. همه گزینه‌ها

سؤال چهارم: گوستاولوبون، فیلسوف و اسلام‌شناس فرانسوی، معجزه

بزرگ پیامبر اسلام ﷺ را چه دانسته است؟

۱. گردهم آوردن قافله پراکنده عرب و تشکیل ملتی واحد از این کاروان

سرگردان و پریشان

۲. دعوت از خویشاوندان برای دعوت به اسلام در آغاز رسالت خویش

۳. درهم شکستن سلطه گران پیروز و نجات دادن مردم از گمراهی

۴. دفاع از مظلومان و ستمدیدگان با توسل به قدرت نظامی و آغاز

جنگ

سؤال پنجم: بنابر فرمایش پیامبر اکرم ﷺ، چه کسی به مرگ جاهلیت

خواهد مُرد؟

۱. کسی که بمیرد و خودش را نشناخته باشد

۲. کسی که بمیرد و تکالیف شرعی خود را ادا نکرده باشد

۳. کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد

۴. کسی که بمیرد و دینی غیر از اسلام داشته باشد

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی «سحاب رحمت»

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

سؤال	گزینه	۱	۲	۳	۴
سؤال اول					
سؤال دوم					
سؤال سوم					
سؤال چهارم					
سؤال پنجم					

فرم نظر سنجی کتاب

ردیف	موضوع	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
نظرها، پیشنهادهای و انتقادات: - - - - - - - - - - - - - - -						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید.

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

— از این قسمت تا شود —

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵